

نقش اثرگذار نهادهای مدنی پس از ثبت هر اثر فرهنگی، تاریخی، طبیعی ایران در یونسکو

سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی



ثبت جهانی میراث فرهنگی، در معنای عمیق و تمدنی خود، مداخله‌ای آگاهانه در فرآیند بازنمایی، بازتعریف و بازتولید هویت فرهنگی ملت‌هاست. آن‌گاه که یک هنر یا آیین در فهرست جهانی ثبت می‌شود، اقدامی ارزشمند اما ناتمام تلقی می‌گردد. پرسش اصلی این است: «پس از ثبت، چه افقی گشوده می‌شود؟»

ثبت «هنر آینه‌کاری در معماری ایرانی» را باید در همین افق تحلیلی خواند؛ نه به مثابه نقطه پایان، بلکه به عنوان آغاز یک جریان‌سازی فرهنگی و معماری.

ایران زمین در طول تاریخ خود واجد نوعی «عقلانیت فرهنگی» بوده است؛ عقلانیتی که تداوم هویت را در دل دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی ممکن ساخته است. سال‌ها پیش در مقاله‌ای با عنوان «رمز ماندگاری فرهنگ ایرانی» بر این نکته تأکید کرده‌ام که تداوم حیات ایران بیش از آنکه بر قدرت سخت یا انسجام سیاسی استوار باشد بر «غنای فرهنگی» این سرزمین تکیه دارد؛ غنایی که در آن، معماری، هنر، معنا و معرفت، در زیست فرهنگی، به هم بسته معنا و مفهوم پیدا می‌کنند.

هنر آینه‌کاری، در این چهارچوب، صورت‌بندی یک جریان فرهنگی است. جهانی که در آن، نور، نه عنصری فیزیکی، بلکه حامل معناست؛ فضا، میدان تجربه‌ای زیباشناختی و معرفتی است و معماری، نه سازه‌ای خاموش، بلکه زبانی برای گفت‌وگو میان انسان، جامعه و امر متعالی محسوب می‌شود. از این منظر آینه‌کاری بخشی از سرمایه فرهنگی و هنری ایران است.

رمز ماندگاری فرهنگ ایرانی در میراث آن نهفته است؛ میراثی که توانسته خود را در زندگی اجتماعی بازتولید کند. تجربه تاریخی ایران نشان می‌دهد که میراث ناملموس - شامل هنرها، آیین‌ها، ادبیات و نظام‌های زیبایی‌شناختی - نقشی بنیادین در استمرار هویت ایفا کرده است. بناها ممکن است دچار تغییر شوند، اما فرهنگ، اگر در متن زندگی مردم حضور داشته باشد، همواره قابلیت احیا دارد. در این میان ظرفیت ایران در حوزه میراث ناملموس، به مراتب فراتر از آن چیزی است که تاکنون در سیاست‌گذاری فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. ثبت‌های جهانی اگر به مرحله «زیست اجتماعی» نرسند، به بایگانی افتخارات فروکاسته می‌شوند. از این رو مسأله اصلی پس از ثبت «احیای فعال» است؛ احیایی با رویکردی زیست‌محور، آینده‌نگر و خلاقانه.

احیای هنر آینه‌کاری، مستلزم عبور از دو گانه کاذب «سنت/مدرنیته» است. سنت، اگر به بازتولید ایستا محدود شود، به نوستالژی بدل می‌شود و مدرنیته، اگر از ریشه‌های فرهنگی خود گسسته باشد، به بی‌هویتی می‌انجامد. نظریه احیای میراث ناملموس در معماری ایرانی بر این اصل استوار است که سنت، زمانی زنده می‌ماند که قابلیت ترجمه به زبان زمان و تداوم حیات در حال را داشته باشد. این ترجمه، نه تحریف است و نه انکار گذشته، بلکه شرط بقا و تداوم است.

در این چهارچوب، نهادسازی نقشی محوری دارد. بدون شکل‌گیری [وتقویت] تشکلهای صنفی و علمی غیردولتی، احیای میراث به کنش‌هایی پراکنده و پروژه‌ای تقلیل می‌یابد. انجمن‌های تخصصی، متشکل از استادکاران آینه‌کاری، معماران، طراحان، دانشگاهیان و پژوهشگران، می‌توانند حلقه واسط میان دانش سنتی، آموزش نوین، خلاقیت معاصر و نیازهای جامعه باشند. این نهادها باید مسئولیت آموزش، انتقال تجربه، تعریف استانداردهای کیفی، معرفی هنرمندان و پیوند با پروژه‌های معماری را بر عهده گیرند.

بازگرداندن هنر آینه‌کاری به زیست روزمره، یکی از راهبردهای کلیدی این رویکرد است. حضور این هنر در فضاهای عمومی - از مراکز فرهنگی، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها تا مساجد، اماکن زیارتی، سالن‌های نمایش و حتی فضاهای اداری - نه تنها به ارتقای کیفیت معماری ایرانی می‌انجامد، بلکه موجب بازسازی پیوند میان ایران و انسان ایرانی می‌شود. میراث، زمانی زنده است که دیده شود، لمس شده و تجربه شود.

دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی می‌توانند نقطه آغاز این تحول باشند. سرمایه‌گذاری در هنرهای هویتی، کنشی راهبردی در حوزه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی است. معماری‌ای که با فرهنگ ایرانی و ارزش‌های بومی

خود پیوندی دوباره برقرار کند، حامل پیامی روشن در عرصه بین‌المللی است: ایران، همچنان واجد توان تولید معنا، زیبایی و خلاقیت تمدنی است.

در نهایت، ثبت جهانی هنر آینه کاری باید به عنوان «فرصتی برای بازتعریف نسبت میراث، حال و آینده» فهم شود. این ثبت اگر به خلق ایده‌های نو، شکل‌سازی پایدار، حمایت هوشمندانه دولت و میدان‌دادن به ظرفیت‌های مردمی منجر شود، می‌تواند آغازگر حرکتی باشد که در آن میراث نه متعلق به گذشته بلکه ناظر به اکنون و آینده است؛ آینده‌ای که در آن ایران به عنوان پرچمدار تولید گفتمان فرهنگی در عرصه منطقه‌ای و جهانی شناخته می‌شود.

(ماخذ: روزنامه ایران هفتم دیماه ۱۴۰۴ با عنوان نهادسازی فرهنگی؛ شرط‌گذار میراث ناملموس از ثبت به حیات اجتماعی)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۱۰/۸

